مکعب سفید

درباره نام جون پایک هنرمند کره‌ای

رادیو و تلویزیون را همزمان روشن کن

پرویز براتی

■ نهضت‌های هنری در قرن بیستم با سرعت زیادی ظهور می‌کردند و پس از مدتی به قهقرا می‌رفتند. این پدیده ظهور و افول پرسرعت شاید از خصوصیات اصلی دوران مدرن به شمار آید. دورانی که همگان براساس الگوی «هر آنچه جدید است، بهتر است» به زندگی و اندیشه می‌نگریستند. شاید به همین دلیل، نهضت‌های تاثیرگذار و مهمی چون پاپ آرت یا اندیشه‌های گروهی مانند فلاکسوس (Fluxus) با وجود نگرش‌های زیباشناختی منحصربه‌فرد و درعین‌حال مرتبط با زندگی روزمره نتوانسته‌اند عمر چندانی داشته باشند، اما در مجموع توانستند بر هنرهای بعد از خود به ویژه هنرهای مفهومی تاثیری مستقیم داشته باشند. البته در اینجا نباید نقش هنرمندانی چون آلن کاپرا و جان کیج را در حوزه هنر، اتفاقی دست‌کم گرفت. گالری گری آرت دانشگاه نیویورک از هفته پیش میزبان مجموعه‌ای از آثار هنرمند گروه فلاکسوس است. هنرمندانی که بین دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی با نحوه نگرش ساده و عام تعریفی جدید از هنر را به مخاطبان ارایه کردند. اشخاصی چون جورج برشت، جورج ماسیوناس، یوکو اُفو، لامونت یانگ، کی فواید من، روبرت فیلیو، بن ووتیه و از همه مهم‌تر «نام جون پایک» (Nam June Paik).

تاثیر گروه یا شبکه جهانی فلاکسوس بر جهان هنر مدرن بر مبنای نحوه تفکر مجموعه‌ای از هنرمندان تجسمی، طراحان و موسیقیدانان شکل گرفت. گروهی منسجم که سعی کردند از زیر بار گونه‌بندی‌ها، ایسم‌ها و نهضت – جنبش‌های هنری شانه خالی کنند و هیچ نشانی را بر یقه خود وصل نکنند. فلاکسوس معتقد بود که مرزهای جغرافیایی، نژادی و حتی زمانی در شکل‌گیری هنر آنها تاثیرگذار نخواهد بود. روش آنها مبتنی بود بر یک ایده و شعار ساده: «خودت باش – خودت انجام بده». دستور عملی که صریحا در بطن جامعه مصرفی و زندگی روزمره فردی استخراج شده است. تمامی تجربه‌های روزمره انسان می‌تواند به نحوی مورد استفاده هنرمند قرار گیرد و زندگی تبدیل به عرصه‌ای وسیع برای خلاقیت شود. درهم‌ریختن مرز قاطع میان «هنر و زندگی» و ترکیب این دو حیطه که قرن‌ها از یکدیگر جدا بودند. فلاکسوس در تلاش بود تا با دخالت دادن عوامل و عناصر زندگی روزمره در هنر آیینه‌ای را در مقابل انسان قرار دهد تا به این وسیله انسان جایگاه خود و تصویری زیباشناختی از موضعیت‌اش در جهان مدرن را مشاهده کند. آنچه از فلاکسوس می‌توان آموخت در یک کلام «تغییر» است. تغییر، تعویض، از شکلی به شکل دیگر رسیدن به نحوی

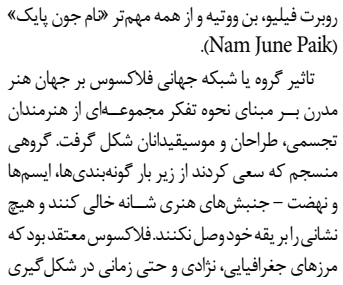

مداوم و بی‌وقفه. تغییر انسان و در ابعادی بزرگ‌تر تغییر جهان. حال مدت مدیدی از طرح فلاکسوس می‌گذرد و ردپای ایده‌ها و هنر اعضای فعال آن در گوشه گوشه زمین هموار – ناهموار هنر معاصر دیده می‌شود و نقش نام جون پایک در این بین بسیار پررنگ است. به هیچ عنوان نمی‌توانیم از هنرهای بصری وابسته به تکنولوژی ویدیویی صحبت کنیم و او را از قلم بیندازیم. وقتی پایک در سال ۱۹۶۳ اولین نمایشگاه خود با عنوان «نمایش موسیقی و تلویزیون الکترونیکی» را در گالری پاراناس – ووپرتال برپا کرد از او پرسیدند، دلیل استفاده از تلویزیون در یک مجموعه چیدمان هنری چه می‌تواند باشد. پایک در پاسخ گفت: «درست مثل کولاژ که جای نقاشی رنگ روغن را گرفت، صحنه و اشعه کاتد تلویزیون جایگزین بوم نقاشی می‌شود.» این تنها یک واکنش ساده در برابر پرسش‌های متعدد و مشابه هم نبود بلکه نوعی آینده‌نگری ژرف و شاید گونه‌ای پیش‌بینی بود. حال پس از گذشت چند دهه از آن نمایشگاه به یادماندنی هنر ویدیویی (Video Art) به مراحل بلوغ خود رسیده و جایگاهی ویژه را در هنر مفهومی به‌دست آورده است. پایک، اندی وارهول، پیتر کمپوس و گروه چهارنفره واسولکا (Vasulka) پایه‌گذاران هنری بودند که با تصاویر انسان سروکار داشته و دارد. دانسته یا ندانسته آنان نحوه نگرش به جهان و تصویر جهان را تغییر دادند. با آنکه در آن زمان آثار ویدیویی پایک وابستگی تام خود را به سطح و نوع تکنولوژی ابتدایی صوتی و تصویری حفظ کرده بود، اما به لحاظ ایده‌پردازی و ذهنی بسیار پیشروتر از زمان خود بود. تلویزیون متقاطع (TV Cross) در همان سال‌های دهه ۶۰ با عبور از نمایش صرف تصاویر، چیدمان را نیز در امر تصویری دخالت داد. این پروژه شگفت‌انگیز ویدیویی در ۱۹۸۸ میهمان مراسم افتتاحیه المپیک سئول کره‌جنوبی با تغییراتی دوباره به نمایش گذاشته شد.

آشنایی با جان کیج موسیقیدان و اندیشمند بزرگ آمریکا پدیده‌های صوتی را نیز وارد حوزه کاری پایک کرد: رادیو و تلویزیون توانست در ترکیبی متناسب توجه پایک را به خود جلب کند. کولاژ صوتی، یکی از تکنیک‌های ابداعی پایک بود که با حضور او در رادیوی آلمان (WDP) و استودیوهای آن آغاز شد و تا امروز به عنوان بخشی از هنر چیدمان‌های صوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هنر پایک (به‌عنوان بخشی از فلاکسوس) ثابت کرد که رسانه‌ها و ابزارهایی که در زندگی روزمره مورد استفاده انسان قرار می‌گیرند، تک‌ساحتی و تک‌کاربردی نیستند و می‌توان به اشکال مختلفی به یک پدیده روزمره نگریست.

نشستی با فریال سلحشور به بهانه نمایشگاه هنرمندان خودآموخته

گل صدبرگ خودآموختگی

علیرضا امیرحاجبی

وقتی وارد گالری «دی» شدم سالن را پرجنب و جوش دیدم. تعدادی زن و مرد با میانگین سنی ۶۰ سال که یا روی صندلی نشسته بودند یا با بازدیدکنندگان در مقابل تابلوهای نقاشی با مجسمه‌های سفالی و غیرسفالی در حال گفت‌وگو بودند. فضایی که تا به حال تجربه نکرده بودم. نقاشی‌هایی با تکنیک‌های مختلف، خام دستانه اما صمیمی، ساده، شفاف و هنرمندان پا به سن گذاشته‌ای که شور و اشتیاقی خاص و دیدنی به بازدیدکنندگان نگاه می‌کردند، بهتر بگویم به چشمان مخاطبان می‌نگریستند. چشمان و چهره مخاطبانی که به آثار آنان می‌نگریستند. در گالری دی همه چیز به نگاه تبدیل شده بود و هیچ خبری از جریان اسنوبیسم و نوکیسه‌گی، فخرفروشی و خودپسندی حاکم بر افتتاحیه‌های گالری‌های تهران نبود. من خلوص و شفافیتی را در نگاه این هنرمندان دیدم ناگفتنی و توصیف‌ناشدنی و امید... امید به کار بیشتر تلاش برای بیان رنج‌ها، شادی‌ها، کابوس‌ها و دلتنگی‌ها. این گروه از هنرمندان هیچ‌گونه آشنایی و شناختی از مبانی هنرهای تجسمی مانند ترکیب‌بندی، هارمونی، رنگ‌بندی، پرسپکتیو و هزار و یک عنصر لازم و غیرلازم دیگر نداشتند. یکی خانه‌دار بود دیگری کارمند بازنشسته صنایع نظامی دیگری آهنگر و اوراقچی خودرو در فومنات که زخمی بر پیشانی داشت و با لهجه زیبای گیلکی با شور فراوان درباره نقاشی‌هایش توضیح می‌داد. آثار کابوس‌گونه که ریشه در کودکی او داشت. یا آن هنرمندی که همراه نواده خود به اختتامیه نمایشگاه آمده بود با تصاویر و خاطراتی از منطقه چهارمحال، کهگیلویه و بویراحمد را روی تابلوهای خود نقش زده بود. حال طبیعت زیبای زاگرس برایش تبدیل به دستاویزی شده بود تا بیان بدوی، ابتدایی و خالص خود را میان رنگ‌های خام و خطوط ناهنگام و ناهماهنگ نقاشی‌هایش پیدا کند و خاطره و حافظه چه بلایی است و چه نعمتی همزمان. سرچشمه هنر این گروه نه چندان بزرگ خاطرات گذشته و آرزوهاست. تصاویری که از ذهن می‌گریزند، تصاویری از یک عروسی سنتی ایرانی و طبق‌کشانی که جهاز نوعروس را به خانه می‌آورند. تشویق حق این هنرمندان است و از آن بالاتر ایجاد حس اعتماد به نفس در آنان. در اختتامیه هیچ هنرمند برجسته‌ای را ندیدم، شاید پس از رفتن من آمده بودند. این باعث تعجب بوده و هست. تعجب از هماهنگی شگفت‌آور هنرمندان خودآموخته با زندگی و روح طبیعت و ناهماهنگی شدید هنرمندان حرفه‌ای با جهان پویا و زنده مردمان ایران زمین.

حضور این گروه خودآموخته در مرکز هنر ایران یعنی تهران پایتخت و آشنایی نسبی آنان با نقاشی و مجسمه‌سازی معاصر یا آکادمیک تا حدی نگرانم کرد که مبادا این معصومیت هنری و شخصیتی تحت تاثیر جریان اصلی هنر قرار گیرد و با سری به آسمان و پایی در گل بلاتکلیف رها شود تجربه‌هایی از این دست هست و نمونه بارزش آن مجسمه‌سازی بود که زیر پل کریمخان می‌ساخت و در جا می‌فروخت و آنگاه که پایش به گالری‌ها باز شد تمام شخصیت هنری، هویت خلاق مجسمه‌هایش دود شد و به هوا رفت و دیگر او را در هیچ جای شهر خاکستری تهران ندیدم. این سناریو قابل تکرار است برای سایر هنرمندان خودآموخته. زرق و برق نمایشگاه‌ها، موزه‌ها، مراکز هنری اغواکننده و بهتر بگوییم استحاله‌گر چنین هنرمندانی است. مبادا که هنر خودآموخته تبدیل به هنر توریسم پسند شود آن‌گونه که رقصی آیینی در برزیل از حیطه پرستش خورشید به درآمد و به پرستش دلار پرداخت! این می‌تواند نگرانی هر کارشناس یا منتقدی را افزایش دهد. فکر به آینده هم هراس‌آور است و هم هیجان‌آور اما وقتی نگاهم دوباره به عروسک‌هایی آویخته از دیوار گالری دی معطوف شد، نگرانی به گوشه تاریک ذهن خزید و دوباره با لبخند دست ساخته‌های ننه حسن خنده‌ام گرفت.

در پایان با فریال سلحشور مدیر گالری دی به گفت‌وگو نشستیم که میزبان سالانه هنرمندان خودآموخته است و پیگیر گسترش انجمنی به همین نام برای آنان که هیچ ادعایی در جهان پرمدعای هنر ندارند.

■■■

خانم سلحشور! نمایشگاه دارای تنوع زیادی است. از کارهایی که تکذیب نسبتا قابل‌قبولی دارند تا آثاری که خام‌دستانه خلق شده‌اند. اقدام شما در زمینه پویایی چنین نمایشگاهی با ریسک و خطراتی همراه بوده البته به لحاظ اقتصادی. انگیزه اصلی شما از جمع‌آوری آثاری اینچنینی چه بوده؟ البته می‌دانیم که در زمینه تشکیل کلکسیون‌های هنری نیز سابقه‌ای طولانی دارید.

شاید بتوان گفت من و همسرم از جمله عاشقان سرباخته هنر هستیم و در بسیاری از موارد دست به ریسک زده و می‌زنیم. هیچ‌گاه به فکر مسایل اقتصادی نبودیم. از ابتدای زندگی مشترکمان تصمیم گرفتیم تا حد امکانات مالی‌مان اقدام به جمع‌آوری آثار ارزشمند هنری کنیم و اینک یک مجموعه بسیار بزرگ فراهم شده است. در حدود ۲۰ موضوع و کلکسیون داریم. اما درباره این نمایشگاه باید بگویم علاقه وافر من به این مجموعه آثار و هنرمندان خودآموخته باعث شده تا دست به پویایی چنین نمایشگاه‌هایی بزنم. دیدن آثار هنرمندان بی‌ادعا و صمیمی خودآموخته برای من کشف دنیایی جدید بوده و هست. یک دنیای شگفت‌انگیز است. دوست دارم همگان را در لذت کشف دنیای این هنرمندان سهیم کنم.

شما هموراه بر وظایف صاحبان گالری تاکید می‌کنید. این وظایف را برای مخاطبان ما بیان کنید؟

اول اینکه باید کار فرهنگی انجام داد. گالری هیچ دست کمی از یک هنرستان ندارد. اینجا یک مکان فرهنگی است و دوم با فروش رساندن آثار هنرمندان به بازار هنر رونق دهند و توان مالی هنرمندان را بالا ببرند و دیگری اینکه محیط و فضای مناسب را برای هنرمندان جهت ارایه آثار فراهم آوریم.

اگر وظیفه فرهنگی ما از این میان حذف شود و صرفا به بخش اقتصادی آن توجه کنیم دیگر با مرکز تجاری، سوپرمارکت چه فرقی داریم. کار ما تنها فروش نیست.

با چنین نگرشی می‌توان هنرمندان حرفه‌ای و آماتور را تشویق به ادامه کار کرد؟

قطعا. هنرمند خودآموخته در چنین موقعیتی با دیدن آثارش روی دیوارهای یک گالری به آینده خود امیدوار می‌شود و زندگی و هنر را به شکل دیگری تجربه می‌کند. از طرف دیگر با نگاه به آثار این هنرمند انفجار رنگ، زندگی و شادی را تجربه می‌کنید و به اشتراک مخاطبان می‌گذارید.

نقاش آکادمیک بر طبق اصول و تفکراتی منسجم به خلق اثر می‌پردازد ولی هنرمندان خودآموخته به هیچ‌وجه به قواعد و هنجارهای رایج در دنیای هنر فکر نمی‌کنند و تنها چیزی را بیان می‌کنند که زلال و درخشان است.

یک نگرانی در این زمینه وجود دارد که وقتی این هنرمندان خودآموخته و آماتور وارد گالری‌ها و سپس سایر مکان‌های فرهنگی شوند خلوص، زلالی، معصومیت آثار خود را از دست بدهند. امروز یکی از همین هنرمندان درباره یک مجله هنری صحبت می‌کرد که از کیوسک مطبوعاتی خریده و آثار هنرمندان حرفه‌ای را مشاهده کرده به نظر شما در این زمینه چه باید کرد تا این وجه زلال و خالص‌شان حفظ بشود؟

قبول دارم. نباید کسی در هنر این گروه دخالت کند. همیشه تاکید کرده‌ام که خانواده‌های این هنرمندان به هیچ عنوان در فعالیت‌های آنان دخالت نکنید. اصلا ارزش کار این گروه از هنرمندان به ناب بودن و درونی بودن آثارشان است. خیلی هنرشان شخصی است. باید اجازه‌داد هر چه می‌خواهند خلق کنند.

استقبال از این حرکت جالب توجه چگونه بوده؟

بسیار عالی. مرتبا برای ما نمونه آثاری از سراسر ایران می‌رسد.

به نظر می‌رسد که شما در حال بنیان‌گذاری حرکتی جدید در هنر خودآموخته در ایران هستید. درست حدس زدم؟

بالاخره باید از جایی آغاز کرد. این لذت زندگی من و همسرم است. کار من همین است. به دلیل علاقه وافر به هنر هر جای دنیا که می‌رفتیم بخشی از آثاری که می‌خریدیم نقاشی‌ها یا آثار هنری هنرمندان خودآموخته بود. تجربه شخصی‌مان باعث شد به ارزش این آثار پی ببریم. این چهارمین سال است که چنین نمایشگاهی را برگزار کرده‌ایم. در شهریور هر سال گالری خودم میزبان است و در اردیبهشت جشنواره آثار هنرمندان خودآموخته در دره‌کنده برپا می‌شود. آثار به نمایش درآمده در گالری دی مجموعه منتخب آن جشنواره است. به‌طور کلی روی معرفی هنر ایران نیز تاکید داریم.

فکر می‌کنید این گونه هنر باید در سطح جهان معرفی شود؟ برای معرفی هنرمندان خودآموخته اقدامی کرده‌اید؟

حتما باید معرفی شود. هنرمندان ایرانی از خارجی‌ها هیچ کم ندارند. من معتقد هستم که حتی بالاتر و بیشتر هم دارند. هنرمندان خودآموخته یک مجموعه عناصر و موتیف‌ها مشترک دارند. این در تمام دنیا قابل پیگیری است. از جمله استیلیزه کردن (ساده کردن) اشکال پرندگان، حیوانات و کلا طبیعت. گویا یک خاطره و حافظه جمعی دست به خلق آثار زده است. ۳۷ سال پیش سفری به مکزیک داشتیم در پوکاتان مواجه شدیم با دست‌بافته‌های هنرمندان خودآموخته‌ایی که در میدان کوچک یک روستا خلق می‌شد. وقتی به این نوع بافته‌ها نگاه کردم به یاد گلیم‌های قشقایی خودمان افتادم. نوع استیلیزه کردن طبیعت در مکزیک بسیار شبیه به کشور خودمان بود. این سرچشمه از ناخودآگاه جمعی بشر می‌گیرد.

آیا گالری‌های دیگر با شما همکاری کرده‌اند یا تمایل به همکاری داشته‌اند؟

خیر تا به حال تمایلی از طرف شخصی ندیده‌ایم. خودمان هستم که کار را جلو می‌بریم. من، همسرم، فرزند مرحومه مکرمه قنبری، جناب پاشایی، دکتر سوری به تدریج انجمن هنرمندان خودآموخته گسترش یافت و هیات امنای موجهی تشکیل شد و در حال حاضر مشغول تهیه اساسنامه انجمن هستیم.

بودجه این انجمن از کجا تامین می‌شود؟

خودمان بودجه را تامین می‌کنیم. مبالغ فروش آثار این هنرمندان در گالری دی هم بدون کسر درصدی در اختیار هنرمندان قرار می‌گیرد.

از کمک‌های دولتی استفاده نخواهید کرد؟ یا تمایل دارید مستقل عمل کنید؟ این پرسشی کلی است.

در تمامی این سال‌ها بارها و بارها مسوولان مختلف خبردار شدند که من و همسرم مجموعه بزرگی از آثار هنری جهان را در اختیار داریم. قول همکاری‌های مساعد دادند تا مکانی برای این مجموعه فراهم آید. واقعا و از صمیم قلب می‌خواهیم این آثار را به یک موزه مستقل هدیه کنیم. هیچ چیزی در قبال آن نمی‌خواهیم. خوشبختانه آثار نقاشی پشت شیشه و کتب چاپ سنگی که سالیان سال جمع‌آوری کردیم مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفت. دانشجویان هنر تازه متوجه زیبایی و غنای هنر نقاشی پشت شیشه شده‌اند و بسیاری از آنها پایان‌نامه‌های دانشگاهی خود را به این موضوع اختصاص می‌دهند. این هنرهای مهم و پرارزش هستند مثل سرمایه است. اگر در هر جای دیگر دنیا بود صدها کتاب، مقاله منتشر و نمایشگاه گذاشته می‌شد.

۱۴ سال است در تلاش هستیم برای حفظ و گسترش کلکسیون شخصی خودمان بدون کمک دیگران. هیچ‌وقت نتوانستیم کل مجموعه را در یک مرکز مشخص و بزرگ به نمایش بگذاریم.

تحصیلات شما چیست؟

من رشته مرمت را در مقطع فوق‌لیسانس تمام کردم. البته فقط برای اینکه توانایی ذهنی و علمی داشته باشم تا گالری خودم را تاسیس کنم. لیسانس شیمی دانشگاه تهران داشتم. برای فوق‌لیسانس رشته‌ایی که باید انتخاب می‌کردم الزاما باید با رشته لیسانس مرتبط می‌بود در نتیجه فوق‌لیسانس مرمت آثار را انتخاب کردم. نفر اول کنکور شدم که باید به اصفهان می‌رفتم و منصرف شدم. در کنکور دانشگاه آزاد شرکت کردم و قبول شدم.

چه نهادها و مراکزی در زمینه ارایه مجموعه شما اعلام همکاری کردند؟

بیشتر فرهنگستان هنر با ما همکاری کرد و مجموعه فرهنگی هنر صبا که در حال حاضر میزبان مجموعه طوفان ماست. تا به حال ۱۵ نمایشگاه از مجموعه شخصی‌مان ترتیب دادیم.

بوم

درباره انجمن هنرمندان خودآموخته

چگونه انسان ممکن شد

علی عزتی*

■ انجمن هنرمندان خودآموخته با رویکردی مشترک به اعتبار تمامیت توقعات و الزامات معاصر خویش در تجمیعی مقتضی به گرد هم درآمدند تا کاشف هنرمندانی باشند که در گریز از ملال تکرار و تجربه‌های خام رستن، بی‌آنکه خود خواسته باشند با فانوس خیال خویش به گونه‌ای ناب تاریخ را بر می‌تابند، فراتر از آن گونه که متعارف و مرسوم بوده باشد. نقطه عطف رهیافت نظری و عملی انجمن هنرمندان خودآموخته، مکرمه قنبری بود (۱۳۸۴-۱۳۰۷) بود که فراتر از حقیقت موجود رنگ معنا گرفت و پیشاپیش پیشاهنگان این عرصه، راه دیگرگونه‌ای را در نوردید. بانوی کشاورزی از روستای دریکنده مازندران که از خواندن و نوشتن بهره‌ای نداشت و از ۶۷ سالگی نقاشی را به گونه‌ای خودانگیخته و خودشکوفا شروع کرد و در ۱۰ سال پایانی عمرش بیش از هزار اثر آفرید. آثار او روی در و دیوار، خاک و سنگ، کدو و خاک‌انداز، کاغذ و بوم و در قطع‌های گوناگون اجرا شد، گویی بوم او از آسمان است تا خاک. از اولین نمایشگاهش (۱۳۷۴، تهران، گالری سیحون) تاکنون ده‌ها نمایشگاه از آثارش در ایران و جهان برگزار شده است. بنیاد پژوهش‌های زنان در دانشگاه استکهلم سوئد او را در سال ۲۰۰۱ به عنوان زن سال برگزید. پس از درگذشت مکرمه، خانه او در میراث فرهنگی کشور به ثبت رسید و به یادش هر سال در زادروز او در روستای دریکنده کارگاه نقاشی برگزار می‌شود. پیرو همین حادثه در سال ۱۳۸۷، انجمن هنرمندان خودآموخته فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. این انجمن با حضور اهالی فرهیخته و فرزانه خود کارگاه‌های سالانه دریکنده، همایش‌ها و جشنواره هنرمندان خودآموخته را اردیبهشت‌ماه هر سال برگزار می‌کند. از دیگر فعالیت‌های انجمن، شناسایی و معرفی هنرمندان خود آموخته ایران به جامعه هنری ایران و جهان است؛ هنرمندانی که با مولفه‌هایی مشترک در بدویت و بداعت منحصر به فرد خود با رویکردهایی متفاوت خلق آثاری ماندگار هستند. این روزها گالری دی میزبان نمایشگاهی از هنرمندان خودآموخته‌ای شده است. هر کدام آماده و آمده‌اند تا با کلمات و و موسیقی، با رنگ و اندیشه‌ای نو و بدیع امکان مهرورزی و یگانگی را فراتر از مرزهای جغرافیایی و فرقه‌ای اعتلا بخشند.

*مدیر عامل انجمن هنرمندان خودآموخته

جدول ۱۳۲۶

افقی:
۱- ظاهر نمودن- پیغام ۲- شهری در سودان- مقیاس طول- جمع مذهب ۳- مارکی بر خودروهای سنگین- قسمتی از پا- گوسفند استرالیایی ۴- سلطان- چشم- پست- ضمیر غایب ۵- پول ژاپن- سگ انگلیسی- گل آبی ۶- تفحص و جست‌وجو- متن‌ها ۷- تکرار یک حرف- کشتزار خربزه- عقیم، سترون ۸- قلعه مستحکم- از حروف یونانی-نهیب- منع کردن ۹- میوه کال- هاون-آخر، قعر ۱۰- بخشنده- شور و غوغا ۱۱- استقبال- پیش- پوشاک ستور ۱۲- حرف انتخاب- میوه دارای ویتامین آ- شادی و سرور- خار ۱۳- یاری خواسته شده- پرنده‌اش سرد کن- سقف فرو ریخته ۱۴- شهری در خراسان محل تولد حضرت ابراهیم (ع) - لباس کهنه ۱۵-برشته کن نان- پایتخت مکزیک

عمودی:
۱- پادشاه عادل عهد ساسانی- صندلی کلاس ۲- نام خانوم‌ها به معنی سفره طعام- زیاده‌گو- پایه و بنیاد ۳- آهنگر انقلابی- دسته خارجی- لگن لباسشویی ۴- سلام تلفنی- گوشه خلوت- از آثار «رهی معیری ۵- نشانه مفعولی- خوی‌ها- سخت ۶- اثر موسیقایی «جوزپه وردی»- پایتخت اتریش ۷- زینهار- مرزبان- متحیر- کارتن باز نشده ۸- شهری در ترکستان- گل کرشمه- مارپیچ بزرگ- همراه گداز ۹- خیس- صدای گربه- خالی- زن برادر شوهر ۱۰- جا، مکان- گرد آمدن و زنده کردن ۱۱- خط دار- دزد، حرامی- درخت انگور ۱۲- قبول کردن- بهره پول- الفت ۱۳- سخنان بیمار گونه- جاری- خود بینی ۱۴- هوسها- خوشی و خرمی- جرات ۱۵- پهن شده- آیه ۲۵۶ سوره بقره

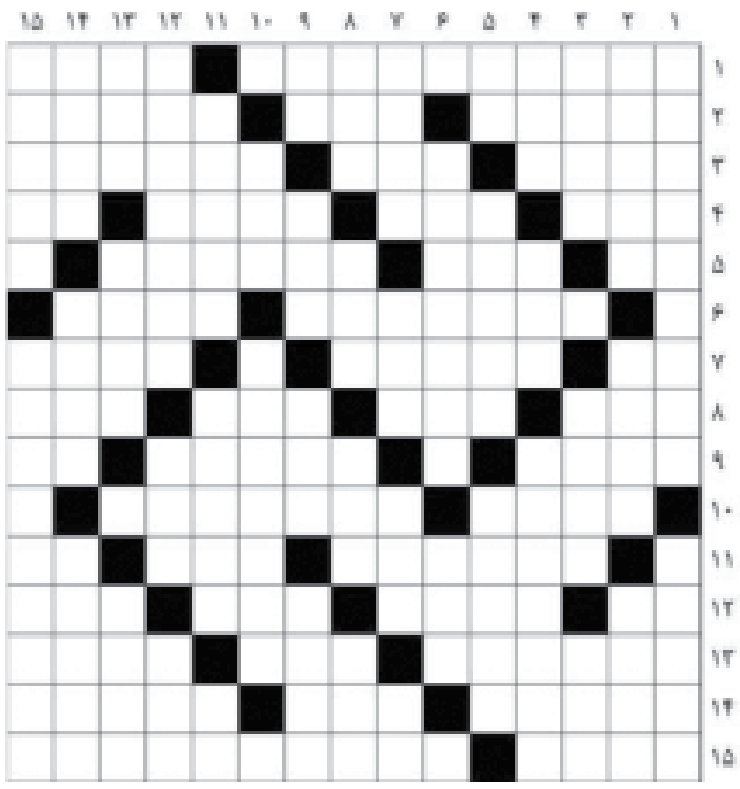

حل جدول ۱۳۲۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ن	ا	ت	و	ر	ا	ل	ی	س	ت	■	ن	د	ا	ف
۲	ن	ب	ر	ا	س	■	چ	س	ن	■	ت	م	ا	ش	ا
۳	ه	ش	ا	م	■	ق	ا	ر	■	ب	ی	ا	م	ب	ر
۴	گ	ا	م	■	ق	ا	ف	■	ن	ا	م	ی	■	ه	س
۵	ی	ر	■	ا	ر	ه	■	ا	ی	ر	ا	ن	ی	■	ی
۶	ل	■	ا	ه	ب	ا	م	و	ز	■	ر	ه	و	ه	■
۷	ا	ت	■	ر	ا	و	ز	ا	■	م	■	ه	ی	ه	ک
۸	ن	ر	ف	■	ن	ر	ی	■	س	ا	چ	■	ا	ر	ل
۹	ه	ا	ر	ا	■	ی	■	ز	ر	ن	ی	چ	■	ا	■
۱۰	ک	م	ک	م	■	ن	ی	ب	و	ر	ی	ا	ز	■	ت
۱۱	ا	■	ا	ب	ت	ه	■	چ	■	م	ا	ر	■	ب	ه
۱۲	س	م	■	ر	ا	ت	ن	■	ب	■	ر	■	م	ر	س
۱۳	ن	ی	ک	ش	ه	ر	■	خ	ر	ک	■	ت	ه	ی	ی
۱۴	ا	ه	م	ا	ل	■	م	ا	ه	ی	خ	ا	و	ی	ا
۱۵	د	ن	د	ه	■	م	ا	ه	ی	خ	ا	■	ا	ی	ر

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۳۲۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۵		۲	۷	۸		۶	
	۷	۶	۴	۹	۳	۵		
			۶	۵		۷	۸	۹
	۲		۸	۳				۵
۴				۲	۹			۸
۹			۷	۱				۴
	۱		۳	۶			۴	
۶		۷		۴		۸		۱
			۱		۷	۳		

حل سودوکو ۳۲۸

۷	۱	۶	۹	۲	۴	۳	۵	۸
۴	۹	۲	۵	۸	۳	۷	۱	۶
۳	۵	۸	۱	۷	۶	۹	۲	۴
۲	۳	۵	۶	۴	۷	۸	۹	۱
۶	۸	۱	۳	۵	۹	۲	۴	۷
۹	۴	۷	۲	۱	۸	۵	۶	۳
۵	۲	۳	۷	۶	۱	۴	۸	۹
۱	۷	۴	۸	۹	۵	۶	۳	۲
۸	۶	۹	۴	۳	۲	۱	۷	۵